

تحلیل انتقادی دیدگاه جریان تکفیری به مفهوم «جهاد» از منظر قرآن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹

کد مقاله: ۹۹۶۳۴

امیر داداشی^{۱*}، مصطفی سلیمانی اصل^۲

چکیده

جهاد یکی از مفاهیم کلیدی در اسلام است که در طول تاریخ تفاسیر مختلفی از آن ارائه شده است. در دوران معاصر، گروه‌های تکفیری تفسیری افراطی و خشونت‌آمیز از جهاد ارائه کرده‌اند که منجر به توجیه جنایت و ترور علیه مسلمانان و غیرمسلمانان شده است. هدف این مقاله نقد و بررسی دیدگاه جریان تکفیری به مفهوم جهاد از منظر قرآن است. روش پژوهش توصیفی تحلیلی است. بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که باید به چند نکته مهم توجه داشت: ۱- تغییرات در مفهوم جهاد با پیشرفت زمان؛ شرایط عصر پیامبر و شیوه‌های جنگ در آن زمان با دوران معاصر به‌طور قابل‌توجهی متفاوت است. ۲- هدف جهاد در قرآن؛ هدف جهاد در قرآن، ترویج اسلام به زور و اجبار نیست، بلکه دفاع از دین، جان و مال مسلمانان در برابر تجاوز و ستم است. پیامبر اسلام هیچگاه جنگی را برای گسترش اسلام آغاز نکردند و تمامی جنگ‌های ایشان جنبه دفاعی داشتند. ۳- برداشت نادرست از آیات: جریان‌های تکفیری در تفسیر برخی آیات قرآن، به‌ویژه آیات مربوط به جهاد و انتحار، دچار اشتباه و سوء برداشت هستند. ۴- نادیده گرفتن آیات صلح و رحمت: قرآن کریم سرشار از آیات صلح و رحمت است که بر همزیستی مسالمت‌آمیز و احترام به حقوق انسان‌ها تأکید دارند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، جهاد، جریان تکفیری، خشونت، ترور

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مه‌آباد، (نویسنده مسئول)

amirdadashi7787@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه فرهنگیان

۱- مقدمه

اسلام در طول تاریخ، نقش محوری در هویت و فرهنگ مسلمانان ایفا کرده است و به آنها احساس کمال و عزت نفس بخشیده است. این امر تا حد زیادی به آموزه‌های جامع و فراگیر اسلام در زمینه‌های مختلف زندگی، از معنویت و اخلاق گرفته تا سیاست و اقتصاد، برمی‌گردد. با این حال، جهان اسلام همواره شاهد تنوع و تکثر بوده است. مسلمانان در سراسر جهان از قومیت‌ها، فرهنگ‌ها و پیشینه‌های مختلفی می‌آیند و این تنوع در تفسیر و درک آنها از آموزه‌های اسلامی نیز انعکاس یافته است. این تنوع، هم نقاط قوت و هم نقاط ضعفی را به همراه دارد. از یک سو، به غنای و پویایی اسلام می‌افزاید و به مسلمانان امکان می‌دهد تا آموزه‌های این دین را به شیوه‌های مختلف در زندگی خود به کار گیرند. از سوی دیگر، گاه منجر به اختلافات و تفرقه‌هایی می‌شود که می‌تواند وحدت و انسجام جامعه مسلمانان را به خطر اندازد.

با وجود تنوع و تکثر موجود در جهان اسلام، اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان بر آموزه‌های صلح‌طلبانه و انسان‌دوستانه اسلام تأکید دارند. اسلام دینی است که بر احترام به کرامت انسانی، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان دیگر ادیان تأکید می‌کند. اما در مقابل، گروه‌های تکفیری که تفسیری افراطی و خشن از اسلام ارائه می‌کنند، فاصله زیادی با این آموزه‌ها دارند. این گروه‌ها با تحریف آموزه‌های قرآن و سنت، جهاد را به ابزاری برای ترویج خشونت، نفرت و تعصب تبدیل کرده‌اند. اقدامات این گروه‌ها نه تنها به ضرر مسلمانان و جهان اسلام می‌باشد، بلکه وجهه اسلام را در سطح بین‌المللی نیز خدشه‌دار می‌کند. این امر منجر به اسلام‌هراسی و افزایش تنش بین مسلمانان و غیرمسلمانان در سراسر جهان شده است.

در دوران معاصر، ظهور گروه‌های تکفیری که تفسیری افراطی و خشونت‌آمیز از جهاد ارائه می‌کنند، نگرانی‌های زیادی را به وجود آورده است. این گروه‌ها با سوءاستفاده از این مفهوم مقدس، اقدام به توجیه جنایت و ترور علیه مسلمانان و غیرمسلمانان می‌کنند و به وجهه اسلام در جهان آسیب می‌زنند. تفسیری که جریان تکفیری از جهاد ارائه می‌کند، مغایر با آموزه‌های صلح‌طلبانه و انسان‌دوستانه قرآن کریم است. قرآن، جهاد را در شرایطی خاص و با قواعد و مقررات مشخص مجاز می‌داند و خشونت و ترور را به شدت تقیح می‌کند. این گروه‌ها با نادیده گرفتن این آموزه‌ها، جهاد را به ابزاری برای ترویج خشونت، نفرت و تعصب تبدیل کرده‌اند. اقدامات این گروه‌ها نه تنها به ضرر مسلمانان و جهان اسلام می‌باشد، بلکه وجهه اسلام را در سطح بین‌المللی نیز خدشه‌دار می‌کند. این امر منجر به اسلام‌هراسی و افزایش تنش بین مسلمانان و غیرمسلمانان در سراسر جهان شده است. در چنین شرایطی، بیش از هر زمان دیگری نیاز به تبیین تفسیری صحیح و معتدل از جهاد وجود دارد. مسلمانان باید با اتکا به آموزه‌های قرآن کریم، درکی صحیح از جهاد داشته باشند و از هرگونه سوءاستفاده از این مفهوم مقدس برای توجیه خشونت و ترور اجتناب کنند. تبیین تفسیری صحیح از جهاد، نه تنها به نفع مسلمانان و جهان اسلام می‌باشد، بلکه می‌تواند به کاهش تنش‌ها و ایجاد روابط صلح‌آمیز بین مسلمانان و غیرمسلمانان نیز کمک کند. هدف این مقاله نقد و بررسی دیدگاه جریان تکفیری به مفهوم جهاد از منظر قرآن است.

۲- مفاهیم

۲-۱- جهاد

جهاد یکی از مفاهیم کلیدی در دین اسلام است که در طول تاریخ معانی مختلفی به آن نسبت داده شده است. در لغت عرب، جهاد به معنای «تلاش و کوشش» است. این واژه از ریشه «جهد» به معنای «قدرت و توانایی» مشتق شده است. (دهخدا، ۱۱۸، ۱۶۹) در اصطلاح دینی، جهاد به معنای «تلاش و کوشش در راه خدا» است. (نجفی، ۲۱، ۳) این تلاش و کوشش می‌تواند شامل موارد مختلفی از جمله مبارزه با نفس اماره، مبارزه با دشمنان دین، تلاش برای کسب علم و دانش، و تلاش برای ترویج و تبلیغ اسلام باشد. فقهای اسلامی جهاد را به دو نوع اصلی تقسیم می‌کنند: ۱- جهاد اکبر: جهاد اکبر به معنای مبارزه با نفس اماره و خواهش‌های نفسانی است. این نوع جهاد از مهم‌ترین انواع جهاد در نظر گرفته می‌شود و از نظر دشواری نیز در رتبه اول قرار دارد. ۲- جهاد اصغر: جهاد اصغر به معنای مبارزه با دشمنان دین است. این نوع جهاد شامل جنگ با کفار و مشرکان در شرایطی خاص و با قواعد و مقررات مشخص می‌شود.

۲-۲- گروه‌های تکفیری

گروه‌های تکفیری به گروه‌هایی از مسلمانان افراطی اطلاق می‌شود که معتقدند حق دارند هر فرد یا گروهی را که مسلمان واقعی نمی‌دانند، تکفیر (کافر اعلام) کنند و حتی آنها را به قتل برسانند. تکفیر در لغت عرب به معنای «پوشاندن» و «انکار» است. (زبیدی، ۱۴۱۴، ۳، ۵۲۷) در اصطلاح دینی، تکفیر به معنای «کافر اعلام کردن» و «از دایره اسلام خارج کردن» است. گروه‌های تکفیری با تفسیر غلط و افراطی از آموزه‌های اسلامی، معتقدند که حق دارند هر فرد یا گروهی را که با عقاید و باورهای آنها

مطابقت ندارد، تکفیر کنند. این گروه‌ها معمولاً خشونت را به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف خود توجیه می‌کنند و مرتکب جنایات وحشتناکی علیه مسلمانان و غیرمسلمانان می‌شوند. (شیرین کار موحد، ۱۳۹۶، ۱۷۱) ویژگی‌های گروه‌های تکفیری عبارتند از: تفسیر افراطی از اسلام، گروه‌های تکفیری با تفسیر غلط و افراطی از آموزه‌های اسلامی، به توجیه خشونت و ترور می‌پردازند. عدم تساهل و مدارا. این گروه‌ها هیچ‌گونه تساهل و مدارایی با مخالفان خود ندارند و آنها را کافر و مستحق مرگ می‌دانند.

۳- دیدگاه گروه‌های تکفیری به جهاد

انکار راهکارهای مسالمت آمیز: گروه‌های تکفیری معتقدند که تنها راه‌هایی جهان از جاهلیت، جهانی شدن اسلام است. از نظر آنها، اسلام تنها دینی است که توحید مطلق خداوند را به رسمیت می‌شناسد و تمام انسان‌ها را موظف به اطاعت از احکام الهی می‌کند. این احکام تمام جنبه‌های زندگی انسان را از بدو تولد تا مرگ در بر می‌گیرد و شامل روابط اجتماعی، اصول حکومتی و قوانین بین‌المللی نیز می‌شود. تکفیری‌ها معتقدند که مسلمانان وظیفه دارند پیام توحید و عدالت را به تمام جهانیان برسانند و برای تحقق این هدف، جهاد با هر نوع حکومت غیرالهی واجب است. (البناء، ۱۴۱۱، ۷۶-۱۰۰) از نظر آنها، جهان به دو دسته «حزب‌الله» و «حزب‌الشیطان» تقسیم می‌شود. حزب‌الله شامل مسلمانانی است که به توحید و عدالت ایمان دارند و برای تحقق آن تلاش می‌کنند. حزب‌الشیطان نیز شامل تمام کسانی است که به توحید ایمان ندارند و از احکام الهی تبعیت نمی‌کنند. تکفیری‌ها معتقدند که مدینه فاضله، جامعه‌ای است که تمام ساکنان آن به توحید ایمان دارند و بر اساس احکام الهی زندگی می‌کنند. (موصلی، ۱۳۸۸، ۲۸-۳۰) آنها هر نوع جامعه‌ای که بر اساس قوانین غیرالهی اداره شود را فاسد و تباه می‌دانند و برای نابودی آن تلاش می‌کنند.

ایمن الظواهری، رهبر یکی از گروه‌های تندرو اسلامی، بر این باور است که دموکراسی و دیگر راه‌حل‌های سیاسی، نه تنها کمکی به تحقق عدالت و صلح جهانی در چارچوب اسلام نمی‌کنند، بلکه مغایر با اصل توحید نیز هستند. از نظر او، دموکراسی که خواستار حاکمیت مردم است، در تضاد با حاکمیت مطلق خداوند قرار دارد. به عقیده الظواهری، این دیدگاه در میان مسلمانان اجماعی است. (الظواهری، بی تا، ۲۱) عبدالله عزام، یکی دیگر از رهبران گروه‌های تندرو، معتقد است که تنها راه ترویج اسلام و برپایی حکومت اسلامی، استفاده از شمشیر است. او کتاب و شمشیر را دو بال جدایی‌ناپذیر و مکمل یکدیگر می‌داند. عزام، گسترش مفهوم جهاد به مباحث علمی، سخنرانی‌های تبلیغی و امثال آن را تحریفی در معنای واقعی جهاد می‌داند که بیشتر از سوی افراد ترسو برای توجیه فرار از این فریضه الهی انجام می‌شود. او همچنین مدعی است که امت اسلامی بر عظمت جهاد به عنوان بزرگترین عبادت اتفاق نظر دارد. به عقیده عزام، جهاد واجب کفایی بر هیچ واجب کفایی دیگری ارجحیت ندارد و جهاد واجب عینی در صورت بروز تناقض، بر هر واجب دیگری اولویت دارد. (عزام، بی تا، ۵۶) جهاد واجب عینی از زمان سقوط اندلس به دست مسیحیان آغاز شده و تاکنون ادامه دارد. رهبران گروه‌های تندرو اسلامی، دیدگاه‌های رادیکالی در مورد دموکراسی، صلح و جهاد ارائه می‌کنند. آنها معتقدند که دموکراسی با اسلام مغایر است و تنها راه برای رسیدن به عدالت و صلح در چارچوب اسلام، استفاده از شمشیر و برپایی حکومت اسلامی است. این دیدگاه‌ها که خشونت و جهاد را ترویج می‌کنند، در تضاد با آموزه‌های صلح‌آمیز بسیاری از مسلمانان در سراسر جهان است.

تفسیر غلط آیات قرآن: گروه‌های تکفیری برای توجیه جهاد افراطی خود، به آیاتی از قرآن کریم استناد می‌کنند که در آنها جهاد به طور مطلق بر همه مسلمانان واجب شده و ترک‌کنندگان آن را به شدت مورد سرزنش قرار داده است. از نظر این گروه‌ها، جهاد به معنای شعله‌ور نگه داشتن جنگ دائمی بین جهان اسلام و جهان کفر است.

آنها برای اثبات مدعای خود، آیاتی مانند آیه ۵ سوره توبه را مثال می‌زنند: **فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصِرُوهُمْ وَأَقَدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ إِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ**؛ پس چون ماه‌های حرام سپری شد مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنها را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمین‌گاهی به کمین آنها بنشینید. پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند راه برایشان گشاده گردانید. زیرا خدا آمرزنده مهربان است. تکفیری‌ها معتقدند که این آیه و آیات مشابه، آیات صلح در قرآن را که فقط به جنگ با جنگجویان دستور می‌دهند، نسخ می‌کنند یا مربوط به زمان خاصی هستند. و گاه برای اثبات جهاد مورد نظر خود، به آیه ۴ سوره محمد استناد می‌کنند: **فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثَخْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنَّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءٌ حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرْنَا مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ**؛ پس هنگامی که [در میدان جنگ] با کافران روبرو شدید، گردن هایشان را به شدت بزنید تا آن گاه که بسیاری از آنان را با سختی و غلظت از پای درآورید، در این هنگام [از دشمن اسیر بگیرید و] آنان را محکم ببندید، [پس از اسیر گرفتن] یا بر آنان منت نهید [و آزادشان کنید] یا از آنان [در برابر آزاد کردنشان] فدیة و عوض بگیرید تا آنجا که جنگ بارهای سنگینش را بر زمین نهد. این است [فرمان خدا]؛ و اگر خدا می‌خواست

[خود بدون فرمان جنگ] از آنان انتقام می‌گرفت [ولی به جنگ فرمان داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی دیگر بیازماید، و کسانی که در راه خدا به شهادت رسیده‌اند، خدا هرگز اعمالشان را باطل و تباه نمی‌کند.

گروه‌های تکفیری برای اثبات جهاد افراطی خود، به آیاتی از قرآن کریم استناد می‌کنند که مسلمانان را از دوستی با کافران نهی می‌کند. از نظر این گروه‌ها، این آیات نشان می‌دهند که مسلمانان نباید با غیرمسلمانان پیمان‌های دوستی و روابط مسالمت‌آمیز برقرار کنند. آنها برای اثبات مدعای خود، به آیاتی مانند آیه ۲۸ سوره آل عمران اشاره می‌کنند: «مؤمنان نباید کافران را به جای اهل ایمان، سرپرست و دوست بگیرند؛ و هر کس چنین کند در هیچ پیوند و رابطه‌ای با خدا نیست» تکفیری‌ها همچنین به آیه ۵۱ سوره مائده استناد می‌کنند: «ای اهل ایمان! یهود و نصاری را سرپرستان و دوستان خود مگیرید، آنان سرپرستان و دوستان یکدیگرند» علاوه بر این، آنها به آیه ۱ سوره ممتحنه استناد می‌کنند: «ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید، شما با آنان اظهار دوستی می‌کنید، در حالی که آنان به طور یقین به آنچه از حق برای شما آمده کافرند» گروه‌های تکفیری برای اثبات جهاد افراطی خود، به آیه ۶۰ سوره انفال استناد می‌کنند. این آیه چنین است: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَّا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَّا تُظْلَمُونَ» و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفقات و ساز و برگ جنگی] و اسبان و رزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید، ولی خدا آنان را می‌شناسد بترسانید. و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می‌شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت». گروه‌های تکفیری این آیه را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که گویی خداوند مسلمانان را به تجهیز کامل نظامی و آمادگی دائمی برای جنگ با تمام کفار، بدون هیچ قید و شرطی، دستور می‌دهد. آنها معتقدند که این آیه، وجوب جهاد با کفار را به طور مطلق اثبات می‌کند و مسلمانان را موظف می‌کند تا با تمام توان خود برای جنگ با آنها آماده باشند.

تفسیر غلط روایت پیامبر: گروه‌های تکفیری برای توجیه جهاد افراطی خود، به روایتی از پیامبر اکرم (ص) استناد می‌کنند که در کتاب‌های صحیح مسلم و صحیح بخاری نقل شده است. این روایت به نقل از عبدالله بن عمر، صحابی پیامبر اکرم (ص)، چنین است: «من مأمورم با مردم کارزار کنم، مگر اینکه به یکتایی خداوند و رسالت محمد پیامبر خدا گواهی بدهند و نماز به پا دارند و زکات بپردازند. اگر این کار را انجام دهند خون آنها و اموالشان از سوی من در امان است، مگر آنچه به صورت حق اسلام بر آن لازم می‌آید و حساب آنان با خدا است» (البخاری، ۱۴۱۰، ۱، ۹۴) گروه‌های تکفیری این روایت را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که گویی پیامبر اکرم (ص) به مسلمانان دستور داده است با تمام غیرمسلمانان، بدون استثنا، جنگ کنند تا زمانی که آنها مسلمان شوند یا به دین اسلام تسلیم گردند. آنها معتقدند که این روایت، صلح و آشتی با غیرمسلمانان را به طور مطلق نفی می‌کند و جهاد را تا زمانی که تمام جهان به اسلام ایمان نیاورند، واجب می‌داند.

جدول ۱- طبقه بندی دیدگاه گروه‌های تکفیری به مفهوم جهاد

عنوان	توضیحات
انکار راهکارهای مسالمت‌آمیز	تنها راه رهایی، جهان از جاهلیت، جهانی شدن اسلام است. اسلام تنها دین، است که توحید مطلق خداوند را به رسمیت می‌شناسد و تمام انسان‌ها را موظف به اطاعت از احکام الهی می‌کند. مسلمانان وظیفه دارند پیام توحید و عدالت را به تمام جهانیان برسانند و برای تحقق این هدف، جهاد با هر نوع حکومت غیرالهی واجب است.
تفسیر غلط آیات قرآن	استناد به آیاتی که جهاد را به طور مطلق بر همه مسلمانان واجب می‌دانند و ترک‌کنندگان آن را به شدت مورد سرزنش قرار داده است. جهاد به معنای شعله‌ور نگه داشتن جنگ دائمی بین جهان اسلام و جهان کفر است.
تفسیر غلط روایت پیامبر	استناد به روایتی از پیامبر اکرم (ص) که در کتاب‌های صحیح مسلم و صحیح بخاری نقل شده است. این روایت به نقل از عبدالله بن عمر، جهاد را بر مسلمانان واجب می‌داند تا زمانی که به مرگ طبیعی بمیرند یا به وسیله شمشیر کشته شوند.

۴- نقد دیدگاه تکفیری از منظر قرآن

گروه‌های تکفیری در تفسیر خود از آیات جهاد در قرآن، به طور گزینشی به آیاتی استناد می‌کنند که جهاد را به طور مطلق واجب می‌دانند و آیاتی که بر صلح و مدارا تأکید دارند را نادیده می‌گیرند. آنها همچنین به احادیثی استناد می‌کنند که جهاد را «بهترین عمل» و «در بهشت» می‌دانند. علاوه بر این، تکفیری‌ها تفسیری خاص از مفهوم «دارالحراب» و «دارالاسلام» ارائه می‌کنند. به عقیده آنها، تمام سرزمین‌هایی که تحت حاکمیت مسلمانان نیستند، دارالحراب هستند و بر مسلمانان واجب است که با تمام توان برای فتح آنها و برپایی حکومت اسلامی در آنها تلاش کنند. این تفسیر از جهاد، که خشونت و جنگ را ترویج می‌کند، در تضاد با آموزه‌های صلح‌آمیز بسیاری از مسلمانان در سراسر جهان است. اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان معتقدند که جهاد فقط

در شرایط دفاع از خود یا دین در برابر ظلم و ستم واجب است و صلح و مدارا اصل کلی در روابط بین مسلمانان و غیرمسلمانان است.

ترویج جهاد افراطی توسط گروه‌های تکفیری، پیامدهای فاجعه‌باری برای جوامع مسلمان و غیرمسلمان به همراه داشته است. این گروه‌ها مسئول مرگ و میر هزاران نفر در سراسر جهان هستند و به تنش‌ها و درگیری‌های فرقه‌ای و قومی دامن زده‌اند. مبارزه با ایدئولوژی افراط‌گرایانه گروه‌های تکفیری نیازمند تلاش‌های جمعی از سوی رهبران مذهبی، دولت‌ها و سازمان‌های جامعه مدنی است. این تلاش‌ها باید شامل آموزش و پرورش دینی صحیح، ترویج گفتگوی بین‌مذهبی و مقابله با انتشار نفرت‌پراکنی و خشونت باشد. مبارزه با ایدئولوژی افراط‌گرایانه گروه‌های تکفیری یک وظیفه ضروری برای حفظ صلح و امنیت در جهان است. این امر مستلزم همکاری و تعهد همه افراد و جوامع در سراسر جهان است.

قرآن کریم به عنوان مهمترین سند آموزه‌های دین اسلام همواره نگاهی صلح طلب و مسالمت آمیز به انسان و زندگی داشته است و همانطور که از مجموع آیات آن و سیره پیامبر بر می آید، جهاد به نوعی آخرین راه حل است نه اولین راه. جوامع بشری در مسیر تکامل و تعالی خویش، ناگزیر به تعامل و همکاری با یکدیگر هستند. رفع نیازهای مادی و معنوی، تبادل دانش و تجربه، و ارتقای صلح و امنیت جهانی، همگی از جمله ضرورت‌هایی هستند که جوامع را به سوی برقراری روابط بین‌الملل سوق می‌دهند. هیچ عقل سلیم و خردگرایی نمی‌تواند انکار کند که زندگی سعادت‌مندانه و پیشرفت بشر در گرو انزوا و عدم تعامل با سایر ملل نیست. استقلال، با تمام ارزشی که دارد، زمانی معنا می‌یابد که در پرتو تعاملات سازنده و هدفمند تفسیر و تعریف شود. استقلال مطلق، مفهومی غیرواقعی و دست‌نیافتنی است. هیچ کشوری در دنیای به هم پیوسته امروز، نمی‌تواند بدون ارتباط با سایر ملل، به حیات خود ادامه دهد و به آرمان‌های خود دست یابد. (نجفی، ۱۳۷۵، ۳ و ۴) حضرت علی (ع) در فرمانش به مالک اشتر در رعایت حال مردم مصر م‌ یفرماید: «و مهربانی بر رعیت را برای دل خود پوششی گردان و دوستی ورزیدن با آنان و مهربانی کردن با همه و مانند جانور شکاری که خوردنشان را غنیمت شماری مباش؛ چه رعیت دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تواند و دسته ی دیگر در آفرینش با تو همانند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

برای نقد دیدگاه جریان تکفیری نسبت به جهاد باید برداشت غلط ایشان از آیات فوق الذکر براساس تفسیر صحیح این آیات و همینطور آیات دیگر قرآن بررسی شود. به طور مثال درباره آیه ۵ سوره توبه که دستور به قتل مشرکین در ماه‌های حرام را می‌دهد، در نگاه اول مطلق به نظر می‌رسد. اما با بررسی سیاق آیات قبل و بعد، مشخص می‌شود که این حکم مطلق نیست و شامل تمام مشرکین نمی‌شود. «بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» خداوند متعال در آیات اول و دوم این سوره، براءت خود و رسولش را از مشرکانی که با مسلمانان عهد بسته بودند، اعلام می‌کند و امان را از آنان بر می‌دارد. این امر به دلیل عهدشکنی و عدم پایبندی مشرکین به تعهداتشان رخ می‌دهد. آیه ۴ سوره توبه نیز حکم براءت و بیزاری را از مشرکانی که عهدی داشته و آن را به هیچ وجه نقض نکرده‌اند، استثنا می‌کند. «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يَظَاهَرُوا عَلَيْكُمْ أَوْ أَحَدًا فَأَتَوْا إِلَيْهِمْ عَهْدُهُمْ إِلَىٰ مَدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»؛ مراد از لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا یعنی: عهد را به طور مستقیم و با کشتار مسلمانان نشکسته باشند و مراد از «وَلَمْ يَظَاهَرُوا عَلَيْكُمْ أَوْ أَحَدًا» یعنی: به صورت غیرمستقیم و با یاری دشمن، مسلمانان عهد خویش را نشکسته باشند بنابراین دستور به کشتار همه مشرکان که در آیه پنجم مطرح شده شامل همه مشرکان، نیست بلکه مختص مشرکانی است که با مسلمانان عهدی داشته و آن را مستقیم یا غیر مستقیم نقض کرده اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۹، ۱۵۷؛ دروزه، ۱۳۸۳، ۹، ۳۵۳-۳۵۴) بنابراین، دستور به قتل مشرکین در آیه ۵، شامل مشرکانی که با مسلمانان عهدی داشته و آن را مستقیم یا غیرمستقیم نقض کرده‌اند می‌شود. این حکم نوعی مقابله به مثل در قبال پیمان‌شکنی مشرکین است.

آیه ۴ سوره محمد، یکی از آیات مهم در خصوص جهاد و احکام مربوط به آن است. برخی مفسران معتقدند که آیه «فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ» (محمد/۴) ناظر به جهاد ابتدایی است. اما با توجه به سیاق آیات قبل و بعد، به نظر می‌رسد این آیه به طور خاص به گروهی از کفار اشاره دارد که دارای ویژگی‌های زیر هستند: مردم را از راه خدا باز می‌دارند: (محمد/۱)، از باطل تبعیت می‌کنند: (محمد/۳)، از آنچه خداوند نازل فرموده کراهت دارند: (محمد/۹). بنابراین، آیه مورد بحث مقید به کفاری است که دارای این ویژگی‌ها هستند و جهاد علیه آنها به عنوان دفع ظلم و ستم و برقراری عدالت و حق انجام می‌شود. همچنین باید گفت طبق این آیه، کشتن اسیر جنگی پس از پایان جنگ جایز نیست. رهبر مسلمانان با توجه به مصالح، اسرا را به یکی از سه روش آزاد می‌کند: ۱- بدون قید و شرط. در این روش، اسرا بدون دریافت هیچگونه فدیهای آزاد می‌شوند. ۲- با دریافت فدی. در این روش، اسرا در قبال پرداخت مبلغی پول آزاد می‌شوند. ۳- به بردگی. در این روش، اسرا به بردگی گرفته می‌شوند. (فاضل مقداد، ۱۴۱۹، ۶۵۱) البته برده‌داری در اسلام واجب نیست و فقط در شرایط خاص و به عنوان حکم سوم قابل اجراست. این حکم در متن قرآن صراحتاً بیان نشده و در روایات اسلامی به آن اشاره شده است. (مکارم، ۱۳۷۴، ۲۱، ۴۱۱). آیه به طور واضح به مقابله با دشمن در میدان جنگ اشاره می‌کند. مفسران مانند ابن کثیر و زمخشری «لقیتهم» را به معنای «مواجهه در جنگ» دانسته‌اند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۳، ۱۹۶) (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۷، ۲۸۴)

برخی از مفسران، عباراتی مانند «ضرب فوق الاعناق» را به صورت کنایه تفسیر می‌کنند. به اعتقاد این مفسران، مراد از این عبارات ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان اسلام در میدان نبرد است. به عنوان مثال، آیت‌الله طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: «مراد از ضرب فوق الاعناق» کنایه از دلیل کردن آنها و سلب قدرت مقاومت از دستشان با ایجاد رعب و وحشت است ... و مقصود از آن، تشویق مسلمانان به رویارویی با دشمن، تثبیت قدم‌هایشان، تقویت روحیه‌شان و تحریک و ترغیب آنها به مقابله با مشرکان است». (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۸، ۲۲۵) در مورد آیه ۴ سوره محمد که از جمله آیات الاحکام به شمار می‌رود، اهل بیت (ع) نیز تفسیری خاص ارائه داده‌اند. خلاصه این تفسیر چنین است که در زمان جنگ، مسلمانان باید با حداکثر قاطعیت با دشمن روبرو شوند و تا حد امکان از اسیر گرفتن خودداری کنند و بر نابودی نیروی دشمن تمرکز کنند. البته این حکم پس از اتمام حجت بر دشمن و اصرار جبهه باطل بر جنگ با جبهه حق صادر می‌شود. با این حال، پس از پایان جنگ، مسلمانان موظف به رفتار نیکو با اسیران هستند. در یکی از کتب تفسیری با رویکرد تبیین آیات الاحکام آمده است: «از اهل بیت (ع) نقل شده است که هرگاه مسلمانان در روز جنگ اسیری از کفار بگیرند، اگر قبل از پایان جنگ باشد، در صورت مسلمان نشدن اسیر، کشتن او واجب است. امام علیه السلام در این مورد مخیر است که او را گردن بزند یا دست و پایش را قطع کند و او را رها کند تا بمیرد. اما اگر اسیر بعد از پایان جنگ گرفته شود، امام علیه السلام در مورد او مخیر است که او را آزاد کند، فدیه بگیرد یا به بردگی درآورد، خواه مسلمان شود یا نه. در این صورت قتل او جایز نیست» (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴، ۲، ۴۷-۴۸)

این حکم عجیب به نظر نمی‌رسد، بلکه یکی از اصول موفقیت در میدان جنگ است که در حال حاضر نیز مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد. در مورد جواز قتل اسیر جنگی، باید گفت که طبق آیه مذکور، خداوند متعال پس از فرمان اسیر کردن کفار جنگجو، فقط یک روش را برای رفتار با آنان تعیین می‌کند: آزاد کردن آنها بدون عوض یا در قبال چیزی. این معاوضه می‌تواند شامل تبادل اسیر با اسرای مسلمان، دریافت پول و دارایی یا انجام کار و خدمتی مفید برای مسلمانان توسط اسیر باشد. همانطور که در جنگ بدر، ده تن از اسرای کفار در قبال آموزش خواندن و نوشتن به ده کودک مسلمان آزاد شدند.

درباره آیه ۱ سوره ممتحنه باید گفت درست است که آیات متعددی در قرآن کریم مسلمانان را از دوستی با کفار منع می‌کنند. اما از سوی دیگر، روایات و سیره پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) مملو از نمونه‌هایی از احسان، همدردی و سلوک نیک با غیرمسلمانان است. این امر در نگاه اول می‌تواند تناقضی بین احکام قرآن و سنت ایجاد کند. این تناقض ظاهری ناشی از عدم توجه به سطوح مختلف تعلق و رابطه بین دو شخص یا دو گروه است. این سطوح در چهار سطح قابل طبقه بندی هستند: ۱- موالات قلبی: محبت و مودت قلبی فقط مختص مؤمنان است و در هیچ شرایطی با غیرمؤمن جایز نیست. ۲- مواسات: همدردی، خیرخواهی و نفع‌رسانی به غیر از کفار حربی که با مسلمانان در حال جنگ هستند، جایز است. ۳- مدارا: خوش‌خلقی ظاهری و برخورد دوستانه با تمام غیرمسلمانان، زمانی که هدف آن فایده رساندن دینی باشد یا برای حفظ جان مسلمانان از ضرر و شر کفار باشد، جایز است. ۴- معاملات: تجارت، اجاره، کارگری، معاملات صنعت و حرفه با غیرمسلمانان، به جز مواردی که به مسلمانان ضرر می‌رساند، جایز است.

بر اساس این شرح، دوستی و محبت قلبی با هیچ کافری در هیچ شرایطی جایز نیست. اما احسان، همدردی و یاری رساندن به غیر از کفار حربی که در حال جنگ با مسلمانان هستند، مجاز است. همچنین خوش‌خلقی ظاهری و برخورد دوستانه با همه افراد، فارغ از دین و مذهبشان، جایز است. البته این رفتار باید با انگیزه‌های صحیحی مانند پذیرایی از مهمان، تبلیغ اسلام، حفظ منافع مسلمانان یا در امان ماندن از آسیب کفار انجام شود. (عثمانی دیوبندی، ۱۳۸۲: ۵۳۵۲)

فقها در مورد حکم جاسوسی برای کفار اختلاف نظر دارند. مالکی‌ها معتقدند که جاسوس مسلمان باید کشته شود. آنها به این حدیث استناد می‌کنند که پیامبر (ص) فرمودند: «هر کس برای مشرکان جاسوسی کند، کشته می‌شود». اما در مقابل جمهور فقها بر این باورند که جاسوس مسلمان کشته نمی‌شود، بلکه امام او را به حسب مصلحت تعزیر می‌کند، مانند حبس، تازیانه و ... آنها به این حدیث استناد می‌کنند که پیامبر (ص) حاطب بن یزید را که برای مشرکان جاسوسی کرده بود، نکشتند. در این حدیث، پیامبر (ص) حاطب را به دلیل جاسوسی برای مشرکان مورد سرزنش قرار دادند، اما او را نکشتند. این امر نشان می‌دهد که کشتن جاسوس مسلمان واجب نیست. در حدیث فرات بن حیان پیامبر (ص) ابتدا دستور به قتل فرات بن حیان که برای مشرکان جاسوسی کرده بود، دادند، اما بعداً او را بخشیدند. این امر نشان می‌دهد که حکم جاسوسی مطلق نیست و به شرایط مختلف بستگی دارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰، ۲۶، ۱۱۷-۱۱۹)

آیه ۶۰ سوره انفال یکی از آیات مهم قرآن کریم است که به موضوع آمادگی نظامی مسلمانان در برابر دشمنان می‌پردازد. در مورد تفسیر و برداشت از این آیه، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. در ادامه به بررسی دو دیدگاه عمده در این زمینه می‌پردازیم: دیدگاه اول: آمادگی برای ترهیب و ترساندن دشمن. برخی از مفسران معتقدند که هدف اصلی این آیه، آمادگی برای ترهیب و ترساندن دشمنان و ایجاد بازدارندگی در برابر آنها است. به عبارت دیگر، آمادگی نظامی در این آیه به عنوان ابزاری برای پیشگیری از جنگ و حفظ صلح و امنیت معرفی می‌شود. استفاده از واژه «ترهیب» در آیه نشان می‌دهد که هدف اصلی ایجاد ترس در دشمنان است. در آیه به طور خاص به «عدو الله» و «عدوکم» اشاره شده است که نشان می‌دهد آمادگی نظامی باید در برابر

دشمنان آشکار و شناخته شده انجام شود. در سیاق آیه، بحثی از قتال و جنگ مستقیم به میان نیامده است. (کعبی، ۱۳۹۵، درس خارج فقه)

دیدگاه دیگر این است که آمادگی نظامی در این آیه، مقدمه‌ای برای قتال و جنگ با دشمنان در صورت ضرورت تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، مسلمانان موظف هستند تا با تقویت توان نظامی خود، در برابر هرگونه تجاوز و تهدیدی از سوی دشمنان آماده باشند.

در آیه به طور کلی از «قوة» و «رباط الخیل» (آماده کردن اسبان جنگی) سخن گفته شده است که می‌تواند شامل آمادگی برای جنگ نیز باشد. در آیات قبل و بعد از این آیه، به موضوع جنگ و جهاد اشاره شده است که نشان می‌دهد آمادگی نظامی در این آیه نیز در راستای جهاد و دفاع از دین و امت اسلامی تلقی می‌شود. در تاریخ اسلام، پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) همواره بر آمادگی نظامی مسلمانان برای مقابله با دشمنان تأکید داشته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴، ۸۵۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۲، ۲۳۲؛ قطب، ۱۴۱۲، ۳، ۱۵۴۳)

هر دو دیدگاه فوق در تفسیر این آیه قابل تأمل هستند. به نظر می‌رسد که آمادگی نظامی در اسلام، اهداف متعددی را دنبال می‌کند، از جمله ترهیب و ترساندن دشمنان، پیشگیری از جنگ و حفظ صلح و امنیت، و همچنین آمادگی برای قتال و جنگ در صورت ضرورت.

جدول ۲- طبقه بندی نقد قرآن بر تفاسیر غلط گروه های تکفیری

آیه قرآن	برداشت غلط تکفیری‌ها	تفسیر صحیح
آیه ۵ سوره توبه	دستور به قتل تمام مشرکین در ماه‌های حرام	این حکم مطلق نیست و شامل تمام مشرکین نمی‌شود.
آیه ۴ سوره توبه	برائت از تمام مشرکین	شامل مشرکانی که عهده‌ی داشته و آن را نقض نکرده‌اند، نمی‌شود.
آیه ۴ سوره محمد	وجوب قتل تمام کفار در جنگ	ناظر به گروهی از کفار با ویژگی‌های خاص است. کشتن اسیر جنگی پس از جنگ جایز نیست.
آیه ۱ سوره ممتحنه	منع مطلق دوستی با کفار	روایات و سیره معصومین مملو از نمونه‌هایی از احسان و همدردی با غیرمسلمانان است. سطوح مختلف تعلق و رابطه بین دو شخص یا دو گروه را باید در نظر گرفت.
آیه ۶۰ سوره انفال	وجوب آمادگی نظامی برای جنگ با تمام کفار	آمادگی برای ترهیب و ترساندن دشمن یا مقدمه‌ای برای قتال در صورت ضرورت.

۵- نتیجه گیری

جریان‌های تکفیری با سوءاستفاده از آیات قرآن، به‌ویژه آیات مربوط به جهاد در سوره توبه، تلاش می‌کنند اعمال خشونت‌آمیز خود را توجیه کنند. این در حالی است که درک صحیح این آیات مستلزم توجه به سیاق نزول و شرایط خاص صدر اسلام است. در این تحلیل باید به چند نکته مهم توجه داشت: ۱- تغییرات در مفهوم جهاد با پیشرفت زمان؛ شرایط عصر پیامبر و شیوه‌های جنگ در آن زمان با دوران معاصر به‌طور قابل توجهی متفاوت است. صرف اتکا به آیات جهاد در صدر اسلام بدون در نظر گرفتن این تحولات، رویکردی نادرست و غیرقابل قبول است. ۲- هدف جهاد در قرآن؛ هدف جهاد در قرآن، ترویج اسلام به زور و اجبار نیست، بلکه دفاع از دین، جان و مال مسلمانان در برابر تجاوز و ستم است. پیامبر اسلام هیچگاه جنگی را برای گسترش اسلام آغاز نکردند و تمامی جنگ‌های ایشان جنبه دفاعی داشتند. ۳- برداشت نادرست از آیات؛ جریان‌های تکفیری در تفسیر برخی آیات قرآن، به‌ویژه آیات مربوط به جهاد و انتحار، دچار اشتباه و سوء برداشت هستند. ۴- نادیده گرفتن آیات صلح و رحمت؛ قرآن کریم سرشار از آیات صلح و رحمت است که بر همزیستی مسالمت‌آمیز و احترام به حقوق انسان‌ها تأکید دارند. جریان‌های تکفیری با نادیده گرفتن این آیات، تصویری خشن و غیرانسانی از اسلام ارائه می‌کنند. دیدگاه جریان‌های تکفیری در مورد جهاد، تفسیری نادرست و انحرافی از آموزه‌های صلح‌طلبانه و رحمانی قرآن است. درک صحیح جهاد در اسلام مستلزم توجه به سیاق نزول آیات، شرایط تاریخی و تفاسیر معتبر مفسران اسلامی است.

دیدگاه جریان‌های تکفیری در مورد جهاد، تفسیری نادرست و انحرافی از آموزه‌های صلح‌طلبانه و رحمانی قرآن است. ترویج این دیدگاه خطرناک، پیامدهای فاجعه‌باری برای جوامع مسلمان و غیرمسلمان به همراه دارد و به گسترش خشونت، افراط‌گرایی و تروریسم دامن می‌زند. در مقابل دیدگاه افراط‌گرایانه جریان‌های تکفیری، ضروری است که اسلام ناب محمدی، که دین صلح، رحمت و عدالت است، ترویج شود. مسلمانان باید با اتکا به آموزه‌های صحیح قرآن و سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)،

تصویری واقعی و رحمانی از اسلام به جهانیان ارائه کنند. علما، نخبگان و رهبران جوامع اسلامی وظیفه‌ای خطیر در مقابله با تفکر افراط‌گرایانه جریان‌های تکفیری و ترویج اسلام ناب محمدی دارند. آنها باید با روشنگری و تبیین صحیح آموزه‌های اسلام، در برابر تحریف و سوء استفاده از دین ایستادگی کنند و به جوانان مسلمان کمک کنند تا درک درستی از اسلام داشته باشند. مبارزه با افراط‌گرایی و خشونت نیازمند همکاری و همبستگی همه انسان‌ها، فارغ از دین و مذهبشان، است. گفتگوی بین ادیان و فرهنگ‌ها می‌تواند به افزایش درک متقابل و احترام بین جوامع مختلف کمک کند و از زمینه‌های بروز سوء تفاهم و خشونت بکاهد. جریان‌های تکفیری با سوء استفاده از آیات قرآن، تفسیری نادرست و انحرافی از مفهوم جهاد ارائه می‌کنند. این دیدگاه خطرناک، پیامدهای فاجعه‌باری برای جوامع مسلمان و غیرمسلمان به همراه دارد. در مقابل، ضروری است که اسلام ناب محمدی، که دین صلح، رحمت و عدالت است، ترویج شود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. البناء حسن. (۱۴۱۱ ق). مجموعه رسائل الامام الشهيد حسن البناء. قاهره: دار الدعوة.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
۵. آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق علی عبدالباری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. البخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۱۰ ق). صحیح بخاری. (بیروت: دار ابن کثیر).
۷. حسینی جرجانی، سیدامیرابوالفتح. (۱۴۰۴ ق). آیات الأحکام، تحقیق میرزا ولی الله اشراقی سرابی، چاپ اول، تهران: انتشارات نوید.
۸. دروزه، محمدعزه. (۱۳۸۳ ق). التفسیر الحدیث، قاهره: دار إحياء الكتب العربية.
۹. الزبیدی، سید محمد المرتضی بن محمد. (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس. (بیروت: دار الفکر).
۱۰. زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۱. سیوری، مقداد (فاضل مقداد). (۱۴۱۹ ق). کنز العرفان فی فقه القرآن، تحقیق: سید محمد قاضی، چاپ اول، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۲. طباطبائی، محمدحسین. (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۴. الطواهری، ایمن. (بی تا). جریده العربی الاسبوعی. (بی جا).
۱۵. عزام، عبدالله. (بی تا). التامر العالمی. پاکستان: مرکز الشہید الاعلامی.
۱۶. عزام، عبدالله. (بی تا). فی الجهاد فقه و اجتهاد. پاکستان: مرکز الشہید عزام الاعلامی.
۱۷. کار موحد، شیرین. (۱۳۹۶). جهاد با اهل قبله از منظر فقه اسلامی. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، و آشتیانی، محمدرضا. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. ۲۸ ج. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۱۹. موصللی، احمد. (۱۳۸۸). مبانی بنیاد گرایی نظری. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۰. نجفی، محمد حسن. (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. (بیروت: دار إحياء التراث العربی).